

بررسی تحولات اخیر قانون اساسی ترکیه^۱

علی اکبر گرجی آزتدریانی*

مهدی مرادی برلیان**

محمد تنگستانی***

چکیده

قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه که در پی کودتای نظامی در سال ۱۹۸۰ تصویب شد، با ابتکار و پی گیری های حزب عدالت و توسعه و بر اثر عواملی چون مشی سیاسی این حزب، فشار افکار عمومی و اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۰ و به موجب یک رفراندوم مورد اصلاح قرار گرفت. بی شک این اصلاحات، گسترده ترین تلاش کشور ترکیه جهت حرکت در مسیر دموکراسی و هم چنین تسهیل روند پیوستن به اتحادیه اروپا تلقی می شود. اصلاحات، بخش های مختلفی از قانون اساسی من جمله ارتش، حقوق و آزادی های فردی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و قوه قضاییه را در بر می گیرد. مهم ترین مفاد اصلاحات قضایی، تغییر در دادگاه قانون اساسی است که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد و با رفراندوم اخیر، جدیدترین تحول خود را پشت سر گذاشت. هدف اصلی در این نوشتار، بررسی این مسأله است که اصلاحات اخیر چه تغییراتی را در قانون اساسی به خصوص در دادگاه قانون اساسی ترکیه ایجاد نموده است. در این راستا مطالب در دو قسمت تنظیم شده است: قسمت اول به رفراندوم سال ۲۰۱۰ و مفاد اصلاحات و قسمت دوم به دادگاه قانون اساسی اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: نظامیان، رفراندوم، اصلاحات قانون اساسی، صیانت از قانون اساسی، دادگاه قانون اساسی.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲۸

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی.

کشور ترکیه که از بقایای امپراطوری عثمانی به سال ۱۹۱۹ میلادی ایجاد گردید، تنها در یک سده از عمر خویش شاهد قوانین اساسی متعدد در ساختار حقوقی خود بوده است؛ قوانینی که بازیگران اصلی ایجاد و تغییرات آن، بیشتر نظامیان بوده‌اند؛ چه آن‌که این کشور بنا به تلاش‌های مصطفی کمال پاشا (آتاترک) که از فرماندهان نظامی بوده، تشکیل شده است و از همان بدو ایجاد، نظامیان، مهمترین بازیگران سیاسی این کشور بوده‌اند و هر لحظه که نظام حقوق اساسی موجود را برای اهداف و منافع خویش ناکافی می‌دیدند، اقدام به انجام اصلاحات و حتی کودتا علیه دولت حاکم می‌نمودند. از آن جمله می‌توان به کودتاهای صورت گرفته در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ میلادی اشاره کرد که متعاقب آن، قوانین اساسی ۱۹۶۱ و ۱۹۸۲ به تصویب رسید و جملگی در راستای تقویت جایگاه نظامیان در نظام حقوق اساسی کشور بوده است.^۲

در سال ۲۰۰۲ میلادی و هم‌زمان با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، اندیشه اصلاحات در قانون اساسی ۱۹۸۲ پدید آمد و با تلاش و پی‌گیری‌های این حزب و بر اثر عوامل مختلفی چون فشار افکار عمومی و لزوم انطباق با استانداردهای لازم برای پیوستن به اتحادیه اروپا، روند روبه‌رشدی طی نمود تا این‌که در سال ۲۰۰۷، پیش‌نویس اصلاحات تهیه شد اما با مخالفت اپوزیسیون مواجه گشت. البته این پیش‌نویس در سال ۲۰۱۰ در مجلس به رأی گذاشته شد اما اکثریت لازم برای تصویب نهایی را به دست نیاورد. با این وجود، آن میزان آرای که موجبات طرح اصلاحات در قالب رفراندوم را فراهم می‌کرد، کسب نمود.^۳

رفراندوم در سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار شد و ۵۸ درصد مردم ترکیه به آن رأی مثبت دادند. مفاد اصلاحات، بخش‌های مختلفی از قانون اساسی را دربرمی‌گیرد که مهم‌ترین آن، اصلاح در ارتش و پرسنل نظامی (در راستای کاهش هژمونی آن‌ها بر نظام سیاسی ترکیه به خصوص دستگاه قضایی)، توجه ویژه به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی و دگرگونی در سیستم قضایی می‌باشد. اصلاحات قضایی شامل تغییر در هیأت عالی قضات و دادستان‌ها، تغییر در ساختار و وظایف دیوان عالی نظامی و دادگاه قانون اساسی می‌باشد.

با این توضیحات، مطالب مقاله پیش‌رو به شکل زیر ارائه می‌گردد:

قسمت اول با عنوان کلی ترکیه و رفراندوم سال ۲۰۱۰ دارای دو بند است. بند اول، مختصری در ضرورت تحولات حقوق اساسی ترکیه را بیان می‌کند و بند دوم، مفاد اصلاحات را تحت چهار عنوان ارائه می‌نماید. قسمت دوم به‌طور ویژه به دادگاه قانون اساسی ترکیه اختصاص یافته است، اما برای فهم بهتر مطالب، ابتدا در بند اول به بحث صیانت از قانون اساسی و نهادهای مرتبط با آن پرداخته می‌شود و سپس بند دوم به طور تفصیلی، دادگاه قانون اساسی ترکیه را معرفی می‌نماید.

^۱ برای مطالعه در خصوص سیر تاریخی وقایع و قوانین اساسی، ر.ک به امیری، مهدی، زمینه‌ها و پیامدهای رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۸۹

هم‌چنین ر.ک به قنبری، محمد، پیدایش و تغییرات در قانون اساسی ترکیه، ماهنامه دادگستر، سال هشتم، شماره ۴۲، ص ۱۸ به بعد.

^۲ ماده ۱۷۵ قانون اساسی ترکیه بیان می‌دارد: «اصلاح قانون اساسی با پیشنهاد کتبی حداقل یک سوم کل اعضای مجلس قابل طرح است. پیشنهاد اصلاح قانون اساسی دو بار در جلسه عمومی مجلس مورد مذاکره قرار می‌گیرد. قبول پیشنهاد اصلاح با رأی مخفی سه پنجم کل نمایندگان ممکن است. بررسی و قبول پیشنهاد اصلاح قانون اساسی، به استثنای شرایط مذکور در این اصل، تابع احکام مربوط به مذاکره و قبول قوانین است.

رئیس‌جمهور می‌تواند برای بررسی مجدد قوانین مربوط به اصلاحات قانون اساسی، به مجلس بازپس فرستد. چنان‌چه مجلس، قانون مذکور را عیناً با دو سوم آراء تصویب نماید، رئیس‌جمهور می‌تواند آن را به رأی عمومی بگذارد.

چنان‌چه قانون مربوط به اصلاح قانون اساسی با کمتر از سه پنجم یا دو سوم آراء کل نمایندگان به تصویب برسد و رئیس‌جمهور آن را بدون اعاده به مجلس به رأی عمومی بگذارد، در این صورت قانون مذکور در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد.

رئیس‌جمهور می‌تواند قانون راجع به اصلاح قانون اساسی را که به تصویب دو سوم اکثریت نمایندگان مجلس رسیده و یا موادی را که لازم می‌داند، به‌طور مستقیم یا به واسطه اعاده‌اش، به رأی عمومی عرضه نماید.

قانون مربوط به اصلاح قانون اساسی با سایر مواد مرتبط در صورت عدم عرضه به آراء عمومی، در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد.

برای مجری شدن قوانین مربوط به اصلاحات قانون اساسی که به آراء عمومی گذاشته شده، بیش از نصف آراء معتبر در تأیید قوانین مذکور الزامی است. مجلس در جریان تصویب قوانین مربوط به اصلاحات قانون اساسی، در صورت تقدیم آن‌ها به آراء عمومی، در مورد اینکه کدام یک از احکام اصلاح شده با هم و کدام یک از آن‌ها جدا جدا خواهد بود تصمیم‌گیری می‌نماید.»

قسمت اول: ترکیه و رفراندوم سال ۲۰۱۰

تغییر و تحولاتی که تصویب رفراندوم ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ بر ساختار حقوق اساسی ترکیه بر جای نهاد، درخور بررسی و واکاوی دقیق حقوقی است. تغییراتی که بافت حقوقی این کشور را اندکی متعادل کرد و عرصه قدرت را بر نظامیان و رهبران کودتا تنگ تر نمود. نظامیانی که از اوان تشکیل کشور ترکیه، در رأس امور بودند و هر آئینه که حضور و فعالیت حزب یا دولتی را برخورد و منافع خویش مضر می دیدند، به طرق مختلف اعم از برخورد سخت (کودتا) یا برخورد نرم (مجبور نمودن به استعفاء و کناره گیری) عرصه قدرت را از حضور مخالفین خود خالی می کردند. در این قسمت به بررسی ضرورت هایی که منجر به اصلاحات در قانون اساسی ترکیه گردید (بند اول) و هم چنین، مهم ترین محورهای این اصلاحات خواهیم پرداخت (بند دوم).

بند اول: مختصری در ضرورت های اصلاحات اخیر بر قانون اساسی ترکیه

با به قدرت رسیدن نجم الدین اربکان، رهبر حزب رفاه ترکیه، در واپسین سال های سده بیستم، مخالفان به تکاپو افتادند تا مانع از فعالیت این دولت اسلام گرا شوند. احزاب لائیک و نظامیان، اصلی ترین مخالفان دولت به شمار می آمدند که سرانجام توانستند در سال ۱۹۹۸ میلادی این دولت را مجبور به استعفاء کنند. به این ترتیب، امکان تغییر ساختار حقوق اساسی این کشور، با سقوط دولت رفاه در پایان قرن ۲۰ متفی شد. رجب طیب اردوغان و برخی از اعضای حزب منحل رفاه و سایر همفکرانش، اقدام به تأسیس حزب عدالت و توسعه نمودند. این حزب توانست در انتخابات محلی و ملی سال ۲۰۰۲، اکثریت آراء را به دست آورده، زمامدار امور شود. حزبی که مرام و مشی آن کاملاً متفاوت با مواضع احزاب لائیک و نظامیان بود.^۴ بروز اعتراضات و مخالفت ها و بعضاً اقدامات افراطی از سوی گروه های مخالف کاملاً طبیعی به نظر می رسید. درخواست انحلال این حزب از دادگاه قانون اساسی، شکل نرم این مخالفت ها بود. به خصوص با عنایت به این نکته که قوه قضائیه و دادگاه قانون اساسی ترکیه تحت استیلای کامل مخالفان قرار داشت. انجام اقدامات افراطی مثل قضیه ارگنه کن^۵ که از گروه های رادیکال وابسته به نظامیان این کشور بود، شکل سخت مخالفت ها محسوب می گشت؛ که جملگی نتوانستند دولت حاکم را از پای در آورند. کارنامه عملکرد این دولت اثبات کرد که این حزب با وجود اعتقاداتی به ظاهر برخلاف اصول لائیک، قادر به مدیریت مطلوب امور جامعه است. دولتی که توانسته بود در طی چند سال از پایگاه مستحکمی در میان مردم ترکیه برخوردار شود. انجام اقدامات افراطی علیه این حزب توسط گروه های مخالف، سردمداران این دولت را مصمم به انجام اصلاحات نمود، اصلاحاتی که بیشتر درصدد کاهش استیلای احزاب لائیک بر قوه قضائیه و دادگاه قانون اساسی این کشور و تضعیف قدرت لجام گسیخته نظامیان، خاصه در مورد مصونیت قضائی آنان بود. البته این اصلاحات در مورد حقوق و آزادی های فردی و حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز ترتیباتی اندیشیده است که به تفصیل بیان خواهد شد.

بسته پیشنهادی اصلاحات در ۳۰ ماده توسط دولت تنظیم گشت و به مجلس ملی کبیر ترکیه تقدیم شد. این مجلس ۲۶ ماده را با اکثریت ۶۰ درصد به تصویب رسانید. این میزان برای تصویب اصلاحات بدون ارجاع به رأی عمومی کافی نبود، زیرا به موجب قانون اساسی بایستی حداقل دو سوم آراء مجلس در این خصوص کسب شود.^۶ لذا ضروری بود تا اصلاحیه به رأی عمومی گذارده شود تا مهر تصویب مردم، جریان اصلاحات را تکمیل کند. رفراندوم در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار شد. نرخ مشارکت مردم در آن به میزان ۷۷ درصد بود و در نهایت متن اصلاحات با رأی ۵۸ درصد شرکت کنندگان در رفراندوم، به تصویب رسید.^۷ البته این جریان به سادگی نیز پیش نرفت؛ احزاب لائیک و نظامیان به بسته اصلاحی اعتراض نموده، دعوی ابطال نزد دادگاه قانون اساسی ترکیه بردند. این دادگاه به صورت کلی بسته

۳. برای مطالعه در خصوص چگونگی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و سیاست های آن ر.ک به واعظی، محمود، **تجربه جدید در ترکیه**،

تقابل گفتمان ها، فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۷

۴. ارگنه کن نام سردسته افراطیونی است که در سال ۲۰۰۷ درصدد انجام کودتایی جهت سرنگون کردن دولت حاکم بود که نهایتاً طرح وی توسط دولت خنثی شد. با کشف این کودتا معلوم گردید که ژنرال های ارتش در پس این اقدامات دست داشتند. برای مطالعه بیشتر ر.ک به امیری، مهدی، پیشین، ص ۹ -

۱۰

۵. ماده ۱۷۵ قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه

۶. برای مشاهده جزئیات آراء در پارلمان و رفراندوم ر.ک به Turkish Constitutional Referendum 2010 _ from wikipedia

اصلاحی را رد نکرد و تقریباً با مفاد اصلاحات موافقت نمود. استدلال اصلی معترضان، استیلای دولت (قوه مجریه) بر قوه قضائیه و دادگاه قانون اساسی و خارج نمودن قوه قضائیه از استقلال ساختاری و عملکردی بود، چه آن که رئیس جمهور در تعیین و انتصاب برخی مقامات این قوه، بسی قدرتمندتر می گردد.

در حقیقت، توازن قوا در نتیجه اعمال اصلاحات بر قانون اساسی برهم می خورد و تنظیم روابط قوا به گونه ای صورت می پذیرد که قوه مجریه، صلاحیت های گسترده ای در حوزه قوه قضائیه به دست می آورد.^۸ قوه قضائیه در صورتی می تواند رافع اختلافات و حلال مشکلات اساسی حقوقی گردد که در کمال بی طرفی به قضاوت بنشیند و آن طور نباشد که مقامات حکومتی بر آن مستولی شوند.

از دیگر سوی، استدلال دولت در خصوص اصلاحات ساختاری در دادگاه قانون اساسی، دقیقاً همان است که معترضان در مورد اصلاحات قضائی به دولت وارد می کنند و آن، جناحی عمل نمودن است. دولت اعتقاد دارد که ساختار کنونی دادگاه قانون اساسی به گونه ای انتظام یافته است که استیلای احزاب لائیک و نظامیان بر آن، مانع از قضاوت بی طرفانه و منصفانه در پرونده های مهم حقوق اساسی است و از طرف دیگر، امکان فعالیت آزادانه سایر احزاب و گروه ها از بین می رود، چه آن که با هر حرکت اصلاحی مخالفت گردیده، ممکن است منجر به انحلال حزب مربوطه شود. در ذیل به بررسی مهم ترین ضرورت هایی که انجام اصلاحات اخیر را لازم می نمود، می پردازیم. برخی از این ضرورت ها منشأ داخلی دارد و برخی دیگر به دلایل بین المللی است.

الف. تحولات جامعه داخلی ترکیه و تغییر نگرش مردم در خصوص مناسبات قدرت

ایجاد کشور ترکیه و تغییرات حقوق اساسی آن، مبتنی بر غلبه زور به وسیله گروه نظامیان بوده است بدون آن که جریان حقوقی نمودن قدرت به تدریج صورت گرفته باشد. در ترکیه پروسه ای برخلاف این طی شده است؛ به گونه ای که در طول زمان بر قدرت نظامیان افزوده شده است و سیر امور به گونه ای بوده است که گویی سعی بر آنست تا قوه مجریه و حرکت های سیاسی داخلی، بیش از پیش تحت کنترل و نظارت نظامیان و احزاب لائیک باشد و امکان قدرت یافتن اشخاصی خارج از این اصول فکری و مواضع حقوقی و سیاسی وجود نداشته باشد. با ایجاد حزب رفاه و به قدرت رسیدن آن، دیدگاهی در مقابل مواضع لائیک ظاهر شد. این دولت پیش از آن که بتواند تغییراتی در ساختار حقوقی قدرت سیاسی ایجاد کند، با کودتای نرم نظامیان ساقط شد؛ اما تفکر اصلاحات از بین نرفت. با ایجاد حزب عدالت و توسعه و با اتکا به حمایت های گسترده مردمی، این حزب توانست در انتخابات سال ۲۰۰۲، اکثریت کرسی های مجلس را تصاحب کرده، به قدرت برسد. باری دیگر، جریانی در مقابل اصول تابوی لائیک و مواضع یک جانبه نظامیان پایه عرصه قدرت نهاد که طبیعتاً واکنش هایی را از سوی مخالفان آن موجب می شد. از جمله می توان به اعتراضات گسترده به مواضع و مرام حزب حاکم، درخواست انحلال این حزب به علت اتخاذ مواضعی برخلاف اصول لائیک و انجام اقدامات افراطی سازماندهی شده به خصوص در قضیه ارگنه کن اشاره نمود که جملگی به نتیجه مطلوب مخالفان منجر نشد.^۹

آنچه از مجموع این وقایع و اتفاقات برمی آید آنست که حمایت مردمی، نقش مهمی در پیش برد تفکر اصلاحات در جامعه ترکیه داشته است، به گونه ای که دولت حاکم با تکیه بر این حمایت ها توانسته است برای نخستین بار طرح اصلاحات را علنی کند. گسترش تفکرات دموکراسی و برابری طلبانه در چند دهه اخیر در جامعه ترکیه رسوخ کرده، تغییراتی در دیدگاه عامه مردم در خصوص حکومت و نظامیان و سایر طبقات ایجاد کرده است؛ به نحوی که اعطای امتیازات ویژه به گروهی، برخلاف اصل برابری که اتفاقاً در قانون اساسی ترکیه نیز به رسمیت شناخته شده است، نگریسته می شود. حتی اگر این گروه نقشی به سزا در ایجاد یا تحولات یک کشور داشته باشد، لذا ایجاد تغییراتی در این خصوص، لازم به نظر می رسد.

حقوق اساسی ترکیه باید ناظر بر سازماندهی قدرت سیاسی در جامعه ترکیه با عنایت به واقعیت های این جامعه باشد. نمی توان به آن به مثابه کالای وارداتی نگریست که مطلقاً در صدد تحمیل اصول و عقایدی بر یک اجتماع است.

7. Hergoz, Marc, Analysing Turkey's 2010 constitutional referendum, available in <http://fpc.org.uk/articles>

^۸ برای مشاهده مخالفت ها و اعتراضات داخلی به بسته اصلاحی ر.ک به Turkish Constitutional Referendum 2010 _ from wikipedia

فهم و درک کردن بطن جامعه ترکیه، شرط مقدم بر تنظیم روابط اساسی این جامعه است؛ به علاوه اینکه چنانچه در طول زمان و به تدریج، تمام یا برخی از تفکرات مردم درخصوص روابط مبتنی بر حقوق اساسی تغییر پیدا کند، نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود.

ب: وضعیت ویژه حزب حاکم در ساختار سیاسی کشور

احزاب لائیک و نظامیان که خود را وارث انقلاب می دانستند، و البته حضور پررنگی نیز در قوه قضائیه و دادگاه قانون اساسی این کشور داشتند، مهم ترین مخالفان جریان اصلاحات بودند. دولت برآمده از رأی مردم، می بایستی شرایط را به نحوی سامان می داد که بتواند در مقابل فشارهایی که هر لحظه امکان تبدیل شدن به یک بحران و کودتا را داشت، مقاومت کرده، در عرصه سیاسی این کشور باقی بماند. لذا بهبود جایگاه احزاب به خصوص احزابی که با لائیک ها و نظامیان همدلی نداشتند، ضروری به نظر می رسید. در آن برهه زمانی، هر حزب مخالف این جریان فکری به سادگی در دادگاه قانون اساسی محکوم و منحل می شد. این جریان ادامه داشت تا به دولت عدالت و توسعه رسید. در این دوره به علت پشتیبانی مستحکم مردم از دولت و عملکرد مناسب آن، انحلال دولت عواقبی به دنبال می داشت به گونه ای که اعضای دادگاه قانون اساسی را مجاب کرد تا نسبت به رویه موجود، اندکی تأمل کرده، با احتیاط بیشتری اقدام کنند. شایان ذکر است وضعیت کردها نیز به عنوان یک اقلیت قومی، در این نظام ملی گرای لائیک چندان مناسب نبود. به دیگر سخن، جامعه ترکیه، جامعه چندگانه ای است که تسامح و مشارکت همه گروه های اجتماع در اداره امور عمومی، لازمه وحدت جامعه و حفظ نظام موجود است.

جمهوری ترکیه نیز به سان اغلب کشورها، از سه قوه تشکیل شده است. در تنظیم حدود اختیارات و وظایف هر یک از قوا در دیگری، اصل تعادل و توازن لازم الراعیه است؛ به طوری که نایل آمدن به اهداف تفکیک قوا، تنها در سایه اصول این تنظیم و تفکیک ممکن است. علاوه بر وجود نظارت در اجزای یک سیستم، وجود تعادل و توازن در حدود اختیارات یکی در دیگری، لازمه تفکیک منطقی قواست. یک قوه یا نهادهای منشعب از آن نباید به اندازه ای بر دیگری صاحب قدرت باشد که عملاً تحت سیطره دیگری قرار گیرد. اختیارات آن ها برهم بایستی متناسب باشد؛ به گونه ای که ضمن وجود نظارت بر نهادها، امکان اتخاذ مستقلانه تصمیمات و اقدامات از قوا سلب نشود و به این ترتیب، عملکرد آن ها تابع دیگری نباشد^۹.

ترکیب قوه قضائیه و دادگاه قانون اساسی به گونه ای تنظیم یافته است که امکان رسیدگی قضائی بی طرفانه و مستقل، که اولین شرط دادرسی های قضائی است، در مواردی وجود ندارد و عملاً تحت سیطره احزاب لائیک و نظامیان است. این قوه بایستی مواضعی فرا جناحی و ترکیبی غیر سیاسی و غیر نظامی داشته باشد تا بتواند به مأموریت قانونی خویش عمل کند.

تسامح و مدارا یکی از اصول دموکراسی است که آزادی احزاب و امکان فعالیت آنان، از نخستین جلوه های این اصل در جامعه سیاسی می باشد. نمی توان همگان را به اعتقاد به یک اصول فکری ملتزم کرد و در عین حال مدعی رعایت دموکراسی نیز بود. حکومت مردم بر مردم، زمانی محقق می شود که نمایندگان تمامی گروه های فکری و اعتقادی، امکان مشارکت در اداره امور عمومی کشور را بدون تبعیض داشته باشند. اگر تفکرات غالب در اجتماع به نحوی بود که خواهان حکومت لائیک ها یا اسلام گرایان بر جامعه بودند، نمی توان به بهانه ادعاهای واهی از قبیل دیکتاتوری اکثریت و ایفای نقش قیم مآبانه توسط نهادهای سیاسی از سوی مردم، آن را تحریف نمود.

ج: تکمیل روند دموکراسیزاسیون بعد از کودتای نظامی

سده نخست ایجاد کشور جمهوری ترکیه، با کودتاها و تحولات فراوانی در تنظیم قدرت سیاسی همراه بود. مهمترین این تغییر و تحولات، قدرت یافتن گروه های خاصی بود که در جریان تشکیل کشور ترکیه و انجام تحولات، نقش اصلی را ایفا می نمودند و آن، نظامیان و احزاب لائیک بودند. هر کودتایی که از سوی نظامیان رخ می داد به بهانه حفظ نظام لائیک و برای تثبیت جایگاه خود در اداره امور کشور بود. این جریان تا کودتای ۱۹۸۰ هم ادامه داشت. قانون

۹. برای تعمیق در موضوع ر.ک به راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوقی اساسی، انتشارات دراک، دی ۱۳۸۸

اساسی حاصل از این کودتا، توسط شورای امنیت ملی و شورای مشورتی تشکیل شده از سوی فرماندهان نظامی، تدوین گشت و به تصویب مردم رسید. طبیعی است متنی که از سوی تنها یک گروه تنظیم یابد و سایر گروه های اجتماعی و سیاسی در آن دخالت و مشارکتی نداشته باشند، نخواهد توانست به تنظیم متوازن و منطقی قدرت سیاسی در جامعه بپردازد. تبعیض، حداقل در مورد یک گروه، نخستین نتیجه قابل پیش بینی چنین شرایطی است.

قانون اساسی سال ۱۹۸۲ ترکیه نیز از این قضیه مستثنی نیست. این امر به خصوص در مورد مصونیت قضائی رهبران کودتای نظامی ۱۹۸۰ و اختیارات فوق العاده دادگاه های نظامی حتی در مورد اشخاص غیرنظامی و تسلط بر سایر قوا، کاملاً مشهود است. حال آن که آزادی، برابری، تسامح و مدارا و چندصدایی، از اصول بنیادین دموکراسی است و تنوع فرهنگی و سیاسی نمی تواند دستاویزی برای نقض آن ها قرار گیرد. به دیگر سخن این اصول از آن دسته موازینی هستند که رعایت آن ها در هر شرایط و وضعیتی، لازمه اعمال دموکراسی است و می توان آن ها را از اصول پایه گذار حقوق بشر دانست.^{۱۱}

قانون اساسی ۱۹۸۲ میراث کودتای نظامیان محسوب می شود، مع الوصف این امر مانع از آن نخواهد شد که به تدریج، پس از بازگشت امور به سیر طبیعی خود، مبادرت به اقدامات اصلاح طلبانه شود. کودتای ۱۹۸۰ به عنوان یک واقعیت تاریخی، فارغ از صواب یا ناصواب بودن آن ثبت شده است. آن چه در این برهه زمانی اهمیت دارد، آنست که تنظیم امور بایستی مطابق اصول و موازین منطقی و در راستای تحقق دموکراسی صورت پذیرد و گر نه این دوره، خود مقدمه ای خواهد شد برای انقلابی دیگر. پس از استقرار حکومت و خارج شدن امور از حالت فوق العاده، باید مبادرت به متوازن سازی مقرراتی نمود که احیاناً در جریان تغییر و تحولات، با افراط یا تفریط با آن ها برخورد شده است. حرکت اخیر دولت ترکیه نیز در راستای همین امر صورت گرفته است.^{۱۲}

د: تقویت جایگاه بین المللی کشور ترکیه و تدارک مقدمات ورود به اتحادیه اروپا

حزب اسلام گرای عدالت و توسعه با نگرشی مثبت به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نگاه می کرد. شش هفته بعد از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲، رجب طیب اردوغان اعلام کرد که هدف اصلی اش متقاعد کردن رهبران اروپا برای معین کردن ((تاریخ مشخصی)) برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپاست.^{۱۳} لازمه چنین ورودی، رعایت موازین، اصول، مقررات، مواضع و استانداردهای این اتحادیه است. یکی از این استانداردها، کاهش قدرت نظامیان در کشور و سلب قدرت سیاسی از آنان و انطباق با اصول دموکراسی است، اموری که انجام اصلاحات در قانون اساسی ۱۹۸۲ را ضروری جلوه می داد.

طرح مسأله اصلاحات و محورهای آن، مورد استقبال اتحادیه اروپا قرار گرفت به نحوی که بعد از پایان روند اصلاحات، مقامات این اتحادیه، انجام آن را یکی از شرایط لازم ترکیه برای ورود به این اتحادیه معرفی کردند. به علاوه این امر مورد استقبال سایر بازیگران بین المللی قرار گرفت. بنابراین به نظر می رسد فارغ از حزب و دولتی که مبادرت به انجام این اصلاحات کرده است، این اصلاحات به عنوان یک ضرورت جامعه داخلی ترکیه، سهمی به سزا در بهبود شخصیت بین المللی این کشور و ورود به اتحادیه اروپا داشته است.^{۱۴}

بند دوم: رفتارندوم ۲۰۱۰ و مفاد آن

بنابر ضرورت های پیش گفته، انجام اصلاحات در ترکیه اجتناب ناپذیر بود و اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات وارد به آن، چه در جامعه داخلی و چه در جامعه بین المللی، معطوف به حزب مجری این اصلاحات بود تا مفاد آن. رفتارندوم در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار گردید و اکثریت ۵۸ درصد رأی دهندگان به آن رأی مثبت دادند و به این ترتیب جدی ترین اقدامات اصلاح طلبانه در قرن ۲۱ در جامعه ترکیه آغاز شد.

۱۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک به هاشمی، سیدمحمد، **حقوق بشر و آزادی های اساسی**، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴، ص ۲۰۲-۲۲۱

۱۱. قاضی، ابوالفضل، **بایسته های حقوق اساسی**، نشر میزان، چاپ بیست و یکم، آبان ۱۳۸۴، ص ۲۳ به بعد.

۱۲. واعظی، محمود، پیشین، ص ۱۶

۱۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ر.ک. به بصیری، محمدعلی، موسوی، سیدفاضل، **نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا**، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵، صفحه ۴۵ به بعد.

به‌طور کلی می‌توان در ۴ محور اصلی برای اصلاحات اخیر قائل به تفکیک شد: رهبران کودتا و پرسنل نظامی، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و اصلاحات قضائی که به تفصیل به آن اشاره خواهیم کرد. لازم به ذکر است برخی از این دسته‌ها در یکدیگر همپوشانی دارد اما به علت اهمیت مورد، آن را ذیل دسته جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد. به‌طور مثال، بیشتر اصلاحاتی که در مورد پرسنل نظامی صورت گرفته، از نوع اصلاحات قضائی است و همین‌طور حقوق و آزادی‌های فردی و اصلاحات وارد به دادگاه قانون اساسی. در خصوص مورد اخیر، بنابر اهمیت ویژه آن در اصلاحات، قسمت دوم نوشتار را به بررسی آن اختصاص دادیم.^{۱۵}

الف: رهبران کودتا و پرسنل نظامی

با گسترش دخالت بیش از پیش نظامیان در اداره امور عمومی کشور که امری غیررایج و خلاف اصول سایر دموکراسی‌هاست، دولت حاکم به فکر اصلاح جایگاه، نقش و حدود اختیارات آن‌ها در عرصه قدرت سیاسی شد. تا پیش از این، رهبران کودتای ۱۹۸۰ از مصونیت قضائی برخوردار بودند و قانوناً ممکن نبود تا آنان را به خاطر جرایم و جنایاتی که در جریان کودتا مرتکب شده‌اند، محاکمه نمود. هم‌چنین دادگاه‌های نظامیان از اختیارات گسترده‌ای برخوردار بودند و علاوه بر اعمال صلاحیت گسترده در مورد نظامیان، در شرایطی صلاحیت رسیدگی به اتهامات اشخاص عادی را نیز داشتند. برای مثال این دادگاه‌ها صلاحیت محاکمه اشخاص غیرنظامی را برای جرایم نظامی که در قانون خاص مشخص شده است، دارند و همین‌طور جرایم ارتکاب یافته علیه پرسنل نظامی در محل‌های نظامی که به وسیله قانون تعیین می‌شود.^{۱۶} هم‌چنین اختیارات گسترده‌ای برای محاکمات در زمان جنگ یا حکومت نظامی برای این دادگاه در نظر گرفته شده است.^{۱۷} مهم‌ترین محورهای اصلاحات در مورد رهبران کودتا، رفع تبعیض‌هایی است که از ابتدا در خصوص رهبران کودتای نظامی اعمال می‌شود که به موجب آن، امکان احضار آنان به دادگاه وجود ندارد. به موجب ماده ۲۴ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه، ماده ۱۵ موقت قانون اساسی جمهوری ترکیه ملغی می‌گردد. همان‌طور که بیان گردید، اصل برابری و تساوی در برابر قانون، یکی از اصول بنیادین دموکراسی است. امروزه تحقق برابری در تمامی زمینه‌ها اولویت نخست حکومت قانون است. از این روی، این اصل، هنجاری بنیادین در قوانین اساسی نوین به‌شمار می‌رود.^{۱۸} که در قانون اساسی ترکیه نیز به رسمیت شناخته شده است. به موجب آن هیچ امتیازی به هیچ شخص، خانواده، گروه یا طبقه‌ای اعطاء نمی‌شود.^{۱۹} ماده فوق (ماده ۱۵) از موانع تحقق کامل این اصل است. اساساً این ماده در تعارض آشکار با پاراگراف ۳ ماده ۱۰ قانون اساسی ترکیه است.

از منظر منطقی، اعطای هر مصونیتی برپایه مصلحت یا مصالحی صورت می‌گیرد که اعطای آن را توجیه می‌کند. در قیاس مضرات اعطای مصونیت با مزایای ناشی از آن، اولویت با مزایاست. این امر به خوبی در خصوص مأموران دیپلماتیک و کنسولی مشهود است، حال آن‌که امروزه هیچ تردیدی در عدم توجیه این امر در مورد نظامیان وجود ندارد.

۱. تحدید صلاحیت محاکم نظامی

به تبع افزایش قدرت نظامیان در تدوین قانون اساسی ۱۹۸۲، صلاحیت‌های دادگاه‌های نظامی نیز به خارج از حیطه نظامیان گسترش یافته بود. مطابق ماده ۱۴۵ قانون اساسی ترکیه، دادرسی نظامی به وسیله دادگاه‌های نظامی و دادگاه‌های انتظامی انجام می‌شود. این دادگاه‌ها صلاحیت محاکمه پرسنل نظامی برای جرایم ارتكابی به وسیله آنان علیه دیگر پرسنل نظامی یا مکان‌های نظامی یا برای جرایم مرتبط با خدمت و وظایف نظامی را دارند.

دادگاه‌های نظامی، مطابق بند ماده ۱۴۵ قانون اساسی ترکیه، صلاحیت محاکمه اشخاص غیرنظامی را برای جرایم نظامی که در قانون مشخص شده است،^{۲۰} دارند؛ هم‌چنین در خصوص جرایم ارتكابی در حال انجام وظایف که به وسیله

^{۱۴} برای آشنایی با جزئیات اصلاحات صورت گرفته و تحلیل آن ر.ک به

Overview on Turkish constitutional referendum process, by ismail duman, available in www.worldbulletin.net

^{۱۵} بند ۲ ماده ۱۴۵ قانون اساسی جمهوری ترکیه

^{۱۶} بند ۳ ماده ۱۴۵ قانون اساسی جمهوری ترکیه

^{۱۷} ویژه، محمدرضا، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲، ص ۲۱۳

^{۱۸} پاراگراف ۳ ماده ۱۰ قانون اساسی جمهوری ترکیه

قانون مشخص شده است یا علیه پرسنل نظامی در محل های نظامی که به وسیله قانون مشخص شده است. □ همین طور به جرایم و اشخاصی که در دوران جنگ یا حکومت نظامی داخل در صلاحیت دادگاه های نظامی هستند، در دادگاه های نظامی رسیدگی می شود. سازمان و نحوه انتخاب قضات و دادستان ها در دادگاه های دادگستری و نظامی به وسیله قانون تعیین می شود.

طبق ماده ۱۵ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی، ماده ۱۴۵ قانون اساسی ترکیه به شکل زیر اصلاح می شود: ((دادرسی نظامی، توسط محاکم نظامی و انتظامی انجام می شود. این محاکم به جرایم نظامی ارتكابی توسط نظامیان و هم چنین صورت گرفته علیه نظامیان و یا دعوای مربوط به جرایمی که به جهت وظایف و خدمت نظامیان ارتكاب می یابد رسیدگی می کنند. جرایم علیه امنیت کشور، اصول قانون اساسی و کارکردهای آن ها به هر نحوی که باشد در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی می شود. جرایم اشخاص غیرنظامی به غیر از حالت جنگ در دادگاه نظامی مورد رسیدگی واقع نمی شود. حدود صلاحیت محاکم نظامی در خصوص نوع جرایم و مرتکبین آن ها در زمان جنگ، نحوه ایجاد و مواردی که قاضی عمومی و دادستان عمومی باید در محاکم نظامی حضور داشته باشند و رسیدگی کنند به موجب قانون مشخص می شود. در نهایت نیز ایجاد سازمان های مربوط به دادرسی نظامی، نحوه عملکرد آن ها، امور استخدای قضات دادگاه های نظامی، وظایف و اختیارات مربوط به فرماندهی قضات محاکم نظامی و اصول مربوط به استقلال و تضمینات شغلی قضات نظامی، توسط قانون تعیین می شود)).

همان طور که ملاحظه شد، این تغییرات در جهت محدود کردن صلاحیت محاکم نظامی در رسیدگی به جرایم نظامیان و خارج کردن حدود صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص غیرنظامی از دادگاه های نظامی (به غیر از حالت جنگ)، قانونی کردن ساختار، وظایف و صلاحیت ها و رویه محاکم نظامی صورت گرفته است. در خصوص رسیدگی به جرایم اشخاص غیرنظامی در حالت جنگ نیز، اگرچه اصل قضیه منطبق با معیارهای رسیدگی منصفانه و اصول حقوق بشری نیست، اما اصلاحیه قانون اساسی به نمایندگان مردم در مجلس ملی کبیر ترکیه این اختیار را داده است تا به موجب قانون، حدود صلاحیت محاکم نظامی در زمان جنگ، نوع جرایم تحت شمول، حضور و رسیدگی قضات دادستان های عمومی در این دادگاه ها را سامان بخشند.

۲. رسیدگی ویژه به جرایم فرماندهان نظامی در دادگاه های قانون اساسی

علی الاصول به جرایم نظامیان بایستی در دادگاه های نظامی رسیدگی شود. این امر در ترکیه نیز به همین ترتیب است. تدوین کنندگان قانون اساسی بنابر اهمیت برخی مشاغل عالی دولتی، در صورت ایراد اتهام به متصدیان آن مشاغل، دادگاه قانون اساسی را صالح به رسیدگی دانسته اند. مطابق ماده ۱۸ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی، ماده ۱۴۸ قانون اساسی جمهوری ترکیه در ارتباط با صلاحیت های دادگاه قانون اساسی چنین اصلاح می شود: ((جرایمی که فرمانده کل ارتش (نیروهای مسلح) — فرمانده نیروهای هوایی، زمینی و فرمانده کل ژاندارمری در ارتباط با وظایف خود مرتکب می شوند در دادگاه قانون اساسی به منزله دیوان عالی رسیدگی می شوند)). بیان چند نکته در این مورد ضروری است: اول این که دادگاه قانون اساسی نسبت به همه جرایم آنان صالح به رسیدگی نیست بلکه فقط به جرایمی رسیدگی می کند که آنان در ارتباط با وظایف خود مرتکب می شوند به گونه ای که اگر این مناصب نبودند، نمی توانستند مرتکب این جرایم با این کیفیات شوند. پس صلاحیت دادگاه قانون اساسی، گسترده نیست. دوم این که نسبت به رأی صادره از دادگاه قانون اساسی که در این جا به منزله دیوان عالی است، می توان تجدیدنظرخواهی کرد، در این صورت هیأت عمومی دادگاه قانون اساسی صالح به رسیدگی است. رأی صادره در این رابطه قطعی است.

۳. امکان رسیدگی قضائی به برخی تصمیمات شورای عالی قضائی

در کنار مزایا و مصونیت هایی که در قانون اساسی ترکیه برای پرسنل نظامی و رهبران کودتای نظامی در نظر گرفته شده بود، معایبی نیز بر نظام قضائی نظامی ترکیه وارد بود؛ از جمله این که ماده ۱۲۵ قانون اساسی ترکیه، امکان شکایت از تصمیمات شورای عالی قضائی توسط پرسنل نظامی را سلب می کرد و هیچ تفکیکی میان این تصمیمات قائل نشده بود؛ حال آنکه حق اعتراض قضائی یکی از حقوق انکارناپذیر شهروندان محسوب می شود. به خصوص در این مورد که دادگاه به معنی خاص کلمه وجود ندارد، بایستی امکان شکایت از این تصمیمات وجود داشته باشد خاصه آن که

ممکن است حقوق مکتسب شخص در نتیجه این رسیدگی‌ها نقض شود. در نتیجه، اصلاحات اخیر، میان تصمیمات شورای عالی قضائی در مسائل اداری (در خصوص ترفیع و بازنشستگی) و سایر تصمیمات تفکیک قائل شده است؛ به نحوی که تصمیمات گروه نخست قابل رسیدگی قضائی نیست اما سایر تصمیمات، این قابلیت را داراست. ماهیت تصمیمات گروه اول به گونه‌ایست که مقام اداری در مقام اعمال صلاحیت خود، مبادرت به اتخاذ تصمیم یک‌جانبه می‌کند. اگر مبنای رسیدگی قضائی، حفظ حقوق شهروندان (در اینجا، پرسنل نظامی) است، نباید تفکیکی میان تصمیماتی که می‌تواند حقوق پرسنل را نقض کند، صورت گیرد؛ لذا مقرر کنونی قانون اساسی در این مورد اگرچه پیشرفتی نسبت به قانون اساسی ۱۹۸۲ محسوب می‌شود، اما خود محتاج بازنگری مجدد است تا به استیفای کامل حقوق پرسنل نظامی منجر شود.

ب: حقوق و آزادی‌های فردی

از دیگر اصولی که در فرماندوم اخیر قانون اساسی ترکیه، مورد اصلاح قرار گرفت، حقوق و آزادی‌های فردی است. هرچند که در قیاس با سایر موارد اصلاحی، این دسته از اصول، مورد اصلاحات کمتری قرار گرفته است. امری که موجب شد بعد از پیروزی حزب حاکم در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۱، رئیس دولت وعده اصلاح دوباره قانون اساسی به خصوص با محوریت حقوق و آزادی‌های فردی را از برنامه‌های آتی دولت اعلام کند.^{۲۰} در ذیل به بررسی ۳ مورد از این اصلاحات می‌پردازیم.

۱. حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

قانون اساسی سال ۱۹۸۲ ترکیه در مقام تشریح اصل برابری، مردان و زنان را از حقوق برابر برخوردار می‌داند و دولت را مکلف به تضمین این برابری در عمل می‌کند^{۲۱} و در ادامه، اعطای هرگونه امتیاز به هر شخص، خانواده، گروه یا طبقه‌ای را منتفی می‌داند^{۲۲}. اگرچه اصل برابری از اصول پایه‌ای دموکراسی است اما این امر مانع از این نمی‌شود که تدابیری جهت رفع کمبودهای برخی اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی اندیشیده شود. این اقشار و گروه‌ها در وضعیتی هستند که تساوی مطلق در برخورد با آنان هم‌چون سایرین، قابل توجه نیست. لازم است در راستای رفع آسیب‌ها و نواقص آن‌ها، حمایت‌هایی اعمال گردد. ماده ۱ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی ترکیه، تکمله زیر را به ماده ۱۹ قانون اساسی وارد می‌کند: ((تدابیری که در خصوص اطفال، سالمندان، مجانین، زنان، شهدای جنگ و خدمت وظیفه، معلولین و بیوه‌زنان اتخاذ می‌شود مغایر اصل برابری محسوب نمی‌شود)).

هم‌چنین ماده ۴ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی ترکیه، در راستای تکمیل ماده ۴۱ قانون اساسی ۱۹۸۲، حمایت‌هایی را در مورد کودکان اعمال داشته است که به موجب آن، هر کودک از حق حمایت و نگهداری برخوردار است و مستقیماً تحت سرپرستی شخصی پدر و مادر خود قرار دارد مگر در حالتی که این امر توسط اولیای کودک رعایت نشود. هم‌چنین دولت موظف است تدابیر لازم به منظور مقابله با هر نوع استثمار و خشونت با کودکان را به کار گیرد.

۲. حمایت و حفاظت از حقوق شخصی اشخاص

ماده ۲۰ قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه، به حق احترام به حریم خصوصی در زندگی خانوادگی اشاره و نقض آن را منوط به حکم دادگاه در موارد وجود مصالح عالی، می‌نماید. این ماده در اصلاحات اخیر به شرح ذیل تکمیل گردید: ((هرکس حق مطالبه حمایت از حقوق شخصی خود که منبعث از شخصیت اوست را دارد. این حق شامل دسترسی به این حقوق، شناسایی، مطالبه و ... می‌شود. این حقوق صرفاً با حکم دادگاه یا رضایت خود شخص، قابل تغییر است. اصول و

۱۹. ر.ک به اسلامگرایان در انتظار پیروزی بزرگ، روزنامه همشهری، سال نوزدهم، ۲۲ خرداد ۱۳۹۰، شماره ۵۴۲۶، ص ۲۱

۲۰. پاراگراف ۲ ماده ۱۰ قانون اساسی جمهوری ترکیه

۲۱. پاراگراف ۳ ماده ۱۰ قانون اساسی جمهوری ترکیه

موازن مربوط به حمایت از حقوق شخصی را قانون تنظیم می کند^{۲۳}). این اصلاح در جهت تقویت هسته فردی اشخاص صورت گرفته است.

۳. حق شکایت شهروندان نزد دادگاه قانون اساسی

در راستای تقویت حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان و عنایت به رعایت آن، علی‌الخصوص به وسیله دولت، تدوین کنندگان اصلاحات اخیر، ضمن توجه به این نکته، چنین مقرر داشته اند که هرکس حق دارد با ادعای نقض یکی از حقوق و آزادی‌های اساسی مورد حمایت قانون اساسی و یا معاهده حقوق بشر اروپائی، توسط قدرت حاکم به دادگاه قانون اساسی مراجعه کند^{۲۴}. همان‌طور که ملاحظه می شود این حق شکایت به هرکس، اعم از شهروندان ترکیه و غیر آنان اعطاء می شود. تابعیت، نقشی در کسب این حمایت نخواهد داشت. البته برای انجام این شکایت، شرطی مقرر گشته و آن اینست که مراجعه کننده به این دادگاه، کلیه راهکارهای قانونی موجود را برای استیفای حقوق خود طی نموده ولی به نتیجه مطلوب نرسیده باشد. در نتیجه نقض یکی از حقوق و آزادی‌های مورد حمایت شهروندان، ابتدا به ساکن، موجب حق رجوع به دادگاه قانون اساسی نمی شود. چه آن‌که در غیر این صورت، این دادگاه تبدیل به مرجع عمومی دادگستری جهت رسیدگی به شکایات عدیده مربوط به نقض حقوق اشخاص می شود. ناگفته هویداست که چنین ترتیبی نه معقول است و نه ممکن، و در صورت اتخاذ چنین تصمیمی، دادگاه را از رسالت اصلی خویش که همانا صیانت از قانون اساسی است، باز می دارد. اصول و قواعد مربوط به مراجعات اشخاص به این دادگاه به وسیله قانون تنظیم می شود.

این تکمله به قانون اساسی، گامی مهم و مؤثر در جهت انطباق ترکیه با استانداردها و معیارهای حقوق بشری اتحادیه اروپا محسوب می شود؛ خاصه آن‌که این حمایت به سطح نظری محدود نشده و تضمین عملی پشتیبان آنست. از این پس مستندات دعاوی و شکوایه‌های ارجاعی به دادگاه قانون اساسی، صرفاً قانون اساسی ترکیه نیست بلکه معاهده حقوق بشر اتحادیه اروپا نیز لازم‌الرعايه است؛ در نتیجه حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص، گسترده تر و عملی تر می شود.

۴. تدارک نظام آمبودزمان

با گسترده شدن کارکردهای حکومت و حضور و فعالیت بیش از پیش آن در عرصه روابط اجتماعی، تعاملات و روابط شهروندان نیز با حکومت گسترش یافته است. با عنایت به نابرابر بودن قدرت اطراف این روابط، احتمال تسلط یکی بر دیگری وجود دارد، لذا شایسته است با چارچوب بندی قانونی این روابط و پیش‌بینی ضمانت‌های قانونی، به تنظیم عادلانه روابط آن‌ها اقدام شود. برخلاف اعتقاد سنتی که پادشاه (مظهر حکومت) نمی تواند اشتباه کند، امروزه قلمروی مسوولیت مدنی گسترش یافته، زنجیر بر لگام حکومت ها نهاده و آنان را به سان اشخاص خصوصی، مسوول اقدامات و تصمیماتشان کرده است. آمبودزمان به مفهوم نظارت و کنترل قانونی و دولتی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور و حمایت از حقوق افراد در مقابل سوء جریانات اداری است^{۲۵}. سیستم آمبودزمان برای حل و فصل اختلافاتی که ممکن است بین شهروندان و نهادهای حکومتی رخ دهد، ایجاد می گردد. مطابق اصلاحات اخیر، هر شهروندی حق درخواست اطلاعات و اقامه دعوی در آمبودزمان را خواهد داشت^{۲۶}. سازمان آمبودزمان زیر نظر رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه تشکیل می شود و به شکایات مربوط به مسائل اداری رسیدگی می کند. رئیس این سازمان، با رأی مخفی مجلس کبیر به مدت ۴ سال انتخاب می شود. در نهایت این صلاحیه مقرر می دارد که شکل حقوق مقرر در این ماده، نحوه تأسیس سازمان، وظایف، نحوه فعالیت، نتایج ناشی از رسیدگی و شرایط رئیس این سازمان و بازرسان، نحوه انتخاب کارمندان و حقوق

۲۲. ماده ۲ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۲۳. ماده ۱۸ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۲۴. معصومی گودرزی، عبدالرضا، *مطالعه تطبیقی آمبودزمان در کشورهای ایران، مالزی، چین و انگلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تابستان ۱۳۸۶، ص ۳

۲۵. ماده ۸ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

استخدامی آنان به وسیله قانون مشخص می شود .

آنچه در مورد این سازمان معمولاً به است، اینست که این نظام متصل به بدنه قضائی کشور نیست و سعی بر حل و فصل اختلافات به صورت شبه قضائی و خارج از دستگاه عمومی دادگستری دارد. این امر در ترکیه زیر نظر قوه مقننه صورت می پذیرد. در تنظیم قوانین و مقررات آن، رعایت حقوق دادرسی منصفانه به سان دادگاه های عمومی دادگستری، الزامی به نظر می رسد زیرا این حقوق مردم است که محل بررسی و قضاوت قرار می گیرد.

ج: حقوق اقتصادی و اجتماعی

از دیگر محورهای اصلاحات اخیر در ترکیه، حقوق اقتصادی و اجتماعی است. حقوق مذکور در این بخش به حمایت از حقوق سندیکایی کارمندان عمومی، کارگران، حق اعتصاب کارگران و ... می پردازد. در ذیل به بررسی مهم ترین این حقوق که در رفراندوم اخیر مورد اصلاح قرار گرفت می پردازیم.

۱. تقویت حق سازماندهی اتحادیه های کارگری

حقوق سندیکایی از حقوق مورد حمایت در قانون اساسی جمهوری ترکیه محسوب می شود. سندیکاها، نهادهای غیردولتی هستند که به منظور حمایت از حقوق کارگران شکل می گیرند. این نهادها، متشکل از نمایندگان کارگران هستند که آنها را در مقابل تحمیلات کارفرمایان یا دولت مورد حمایت قرار می دهند.^{۲۷} اقدامات دسته جمعی، مهم ترین ابزار سندیکاها برای رسیدن به اهدافشان می باشد. حق پیوستن به سندیکاها از نخستین حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران و مستخدمان محسوب می شود. محرومیت از این حق، برخلاف موازین حقوق بشری است. سازمان بین المللی کار^{۲۸} در این مورد اسنادی را تدارک دیده است تا زمینه حمایت عملی از این حقوق، فراهم آید. پاراگراف ۴ ماده ۵۱ قانون اساسی ترکیه، عضویت در بیش از یک اتحادیه کارگری در یک زمان و یک محل کار را، ممنوع اعلام می کند و کارگران را محدود به انتخاب یک اتحادیه می کند؛ حال آن که اگر کارگران حق پیوستن به اتحادیه را داشته باشند، پیوستن به یک یا چند اتحادیه نیز بایستی قانونی باشد و محدود کردن آن به یک اتحادیه، فاقد استدلال منطقی است. این ماده در رفراندوم اخیر مورد اصلاح قرار گرفت و قسمت مربوط به محدود نمودن عضویت در اتحادیه (پاراگراف ۴ ماده فوق) ملغی گردید.^{۲۹}

۲. حق مذاکرات و انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط کارمندان خدمات عمومی

کارگران قانوناً بایستی محق باشند تا از طریق نمایندگان خود با هیأت کارفرمایان، مذاکراتی را در ارتباط با مسائل اختلافی به عمل آورند و در صورت حصول توافق، به آن ملتزم شوند. قانون از چنین قراردادی، حمایت کامل به عمل می آورد. تجربه حاکی از آنست که بسیاری از مشکلات عمده و حیاتی که قانون و طرق عادی حل اختلافات کاری، قادر به حل و فصل آن نیستند را می توان تاحدودی در مذاکرات دسته جمعی^{۳۰} دو طرف حل و فصل کرد. حال تفاوتی نمی کند که توافقات حاصل شده در نتیجه مذاکرات دسته جمعی، در یک محل کار، یک مورد یا بیشتر بوده است. تحدید تعداد این توافقات به یک یا چند مورد، فاقد استدلال منطقی است. برهمن مبنا ماده ۵۳ قانون اساسی، مورد اصلاح واقع شد و امکان انعقاد چندین موافقت نامه در یک محل کار، شکل قانونی به خود گرفت. به علاوه این که، صراحتاً به مأمورین و کارمندان خدمات عمومی، حق انعقاد قرارداد دسته جمعی اعطاء شد. چنانچه طرفین اختلاف در حین توافق دچار اختلاف شوند، می توانند به هیأت داوری خدمات عمومی مراجعه کنند. آراء این هیأت قطعی است.^{۳۱}

^{۲۶} طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۳۸-۱۳۹

27. International labour organization (I.L.O)

۲۸. ماده ۵ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۲۹. مذاکره دسته جمعی به معنای یک سری گفت وگوهای مرتبط با مناسبات و شرایط کار میان یک کارفرما، یک گروه از کارفرمایان یا یک سازمان کارفرمایی از یک سو و سازمان های نمایندگان کارگران از سوی دیگر به منظور رسیدن به توافق می باشد. برای مطالعه بیشتر ر.ک به داسیلوا، سیریان، **نگرشی جدید بر مذاکرات دسته جمعی و سه جانبه گرایی**، ترجمه خلیل صادقی نیا و دیگران، نشریه کار و جامعه، شهریور و مهر ۱۳۸۴، شماره ۶۵، ص ۴۵.

۳۰. ماده ۶ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

در تدوین اصول حاکم بر خدمات مستخدمین عمومی، ماده ۱۲ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی ترکیه، صراحتاً به حاکم بودن حقوق مالی و اجتماعی ناشی از انعقاد قرارداد دسته جمعی در رابطه طرفین در مشاغل خدمات عمومی، اشاره می‌کند. این امر، نتیجه منطقی به رسمیت شناختن حق بر مذاکرات و انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط کارمندان عمومی می‌باشد.

۳. کاهش محدودیت‌های حق اعتصاب

تغییرات صورت پذیرفته در این خصوص در راستای منطقی نمودن توجه مسوولیت، در صورت بروز اعتصاب غیرقانونی و یا انجام اقدامات غیرقانونی ضمن یک اعتصاب قانونی^{۳۲} است. هم‌چنین به موجب ماده ۷ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه، ممنوعیت‌های اعتصابات با انگیزه‌های سیاسی، اعتصابات همبستگی، تصرف محل کار و کاهش میزان کار، برداشته می‌شود و جملگی، قانونی می‌شوند. در مورد اعتصابات با انگیزه‌های سیاسی، رویه کشورهای اروپائی آنست که چنان‌چه مبنای اعتصابی، حقیقتاً مسائل کاری باشد، سیاسی بودن انگیزه تأثیری در قانونی بودن آن نخواهد داشت اما در مورد اعتصابات با مبنای انگیزه سیاسی، دیدگاه غالب آنست که چنین اقداماتی در حکم تظاهرات و اعتراضات مردمی تلقی گردیده، آثار اعتصاب بر آن بار نمی‌شود. قانونی شناختن مطلق اعتصابات با انگیزه‌های سیاسی به دور از حزم و احتیاط لازم در تنظیم امور قانونی است.

۴. پیش‌بینی شورای اقتصادی و اجتماعی

با عنایت به تأثیرات گسترده و طولانی که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بر زندگی عموم مردم می‌نهد، لازم است با دقت و احتیاط بیشتری به سامان دادن آن مبادرت کرد. هم‌اکنون رویه معمول در اکثر نظام‌های حقوقی جهت تنظیم سیاست‌ها (اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) لزوم انجام مشورت با سایر نهادهای حکومتی، نهادهای مردم و کارشناسان خبره موضوع می‌باشد. همان‌گونه که در ایران نیز شورای اقتصاد به منظور بررسی و اظهارنظر کارشناسی در خصوص برنامه بودجه و سایر برنامه‌های کوتاه و بلندمدت، تشکیل شده است، البته با این تفاوت که این نهاد در ایران بیشتر به یک نهاد دولتی می‌ماند تا ترکیبی^{۳۳}.

به موجب ماده ۲۳ قانون اصلاح برخی ...، نهادی به این منظور با عنوان شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس می‌شود. این نهاد جهت ارائه اطلاعات در خصوص سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی به حکومت، فعالیت خواهد نمود. تشکیلات و نحوه عملکرد آن به موجب قانون مشخص می‌شود. پیش‌بینی این نهادها اگرچه ممکن است روند اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات را طولانی‌تر کند، اما در نهایت خروجی آن‌ها مستحکم به نظرات اهل فن و موجب مشارکت کارشناسان و نهادهای مردمی در جریان تدوین آن و در نتیجه پذیرش آسان‌تر آن‌ها از سوی مردم می‌گردد.

د: اصلاحات قضائی

همان‌طور که ذکر آن رفت، بیشتر موضوعات مورد بحث، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌تواند در قالب اصلاحات قضائی قرار گیرد. اهمیت برخی، موجب بررسی جداگانه آن‌ها در بخش یا قسمت مستقل گردیده است. در زیر به سایر موارد اصلاحات قضائی رفراندوم اخیر ترکیه اشاره می‌کنیم.

۱. امکان رسیدگی قضائی نسبت به تمامی مجازات‌های انضباطی و تغییر نحوه بازرسی‌ها

طبق قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه، رسیدگی قضائی در خصوص تصمیمات انضباطی، اخطارها و توبیخ‌ها را دربرنمی‌گرفت^{۳۴}. علت این مقررهم، کم‌بودن مجازات اعمالی است که در این باره ضرورتی به رسیدگی مجدد دیده نشده بود. این امر اگرچه می‌تواند از حجم کار قضات بکاهد اما تطابق چندانی با حقوق کارمندان ندارد. اعمال

۳۱. شایان ذکر است که صرف انجام اقدامات غیرقانونی، اعتصاب را غیرقانونی نمی‌کند.

۳۲. برای مشاهده ترکیب این شورا و وظایف و اختیارات آن ر.ک به مواد ۲ و ۳ قانون برنامه و بودجه

۳۳. پاراگراف ۳ ماده ۱۲۹ قانون اساسی جمهوری ترکیه

حمایت‌های همه‌جانبه از آنان، ملازم با امکان درخواست رسیدگی نسبت به تمامی تصمیماتی است که به نحوی از انحاء حقوقشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین راستا، به موجب ماده ۱۳ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه، در خصوص مجازات‌های انضباطی (به نحو مطلق) می‌توان درخواست رسیدگی قضائی نمود. در ارتباط با شکل بازرسی‌هایی که بر تصمیمات اداری صورت می‌گیرد، شایان ذکر است تغییر صورت پذیرفته در این راستاست که حدود بازرسی، صرفاً در جهت مطابقت تصمیمات و اقدامات اداری با قانون بوده، به شکل شایستگی آن‌ها مربوط نشود.^{۳۵}

۲. نحوه نظارت بر عملکرد اداری و قضائی قضات

به منظور اعمال نظارت بر چگونگی انجام خدمات قضائی و وظایف اداری قضات توسط وزیر دادگستری، بازرسی‌های داخلی مربوط به وظایف قضات، دادستان‌ها، بازپرس‌ها و انجام اقدامات مقتضی از قبیل تحقیقات، بررسی‌ها و بازجویی، توسط بازرسان دادگستری انجام می‌شود. تفصیل مربوط به اصول و قواعد این نوع از بازرسی‌های داخلی بر عملکرد اداری و قضائی مستخدمین قضائی به وسیله قانون تعیین می‌شود.^{۳۶}

۳. تغییرات در ساختار، تشکیلات و وظایف دادگاه‌های نظامی

به منظور رسیدگی به جرایم، تخلفات و اعتراضات مربوط به طبقه نظامیان، به‌طور کلی دو نوع دادگاه در ساختار قضائی نظامی ترکیه وجود دارد: دیوان عالی نظامی تمیز و دادگاه‌های عالی اداری نظامی. این دو در رأس دادگاه‌های نظامی به بازنگاری قضائی نسبت به آراء صادره توسط دادگاه‌های تالی می‌پردازند. به موجب تغییرات صورت گرفته، تشکیلات، کارکرد، امور استخدامی و انتظامی قضات، آئین دادرسی، استقلال دادگاه‌های نظامی و تضمینات شغلی قضات به موجب قانون تعیین می‌شود.^{۳۷} در این اصلاحات سعی بر آن شده است تا امور بیشتری از قوه قضائیه تحت سیطره قانون مصوب نمایندگان مردم در مجلس ملی کبیر ترکیه قرار گیرد و از خودسامانی قوه قضائیه اندکی کاسته شود.

۴. تغییرات در شورای عالی قضات و دادستان‌ها

شورای عالی قضات و دادستان‌ها، در رأس قوه قضائیه قرار دارد که وظایفش را براساس اصول استقلال و امنیت شغلی قضات انجام می‌دهد. وزیر دادگستری، رئیس شوراست و معاون وی نیز عضو شورا می‌باشد.^{۳۸} تغییرات صورت گرفته در راستای افزایش تعداد اعضای این شورا و تغییر مکانیزم انتخاب آن‌هاست. به این ترتیب، این شورا از ۲۲ عضو اصلی و ۱۲ عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود که در قالب ۳ اداره فعالیت می‌کند. نحوه انتخاب اعضاء به این ترتیب است: ۴ عضو اصلی شورا با اوصاف قانونی به پیشنهاد شورای آموزش عالی ترکیه و توسط رئیس‌جمهور از میان اعضای حقوقی شاغل در مراکز آموزشی و وکلاء انتخاب می‌شوند— ۳ عضو اصلی و ۳ عضو علی‌البدل از میان اعضای دیوان عالی تمیز به وسیله هیأت عمومی دیوان انتخاب می‌شوند— ۲ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل از میان اعضای شورای دولتی توسط هیأت عمومی شورا— ۱ عضو اصلی و ۱ عضو علی‌البدل توسط هیأت عمومی آکادمی عدالت ترکیه— ۷ عضو اصلی و ۴ عضو علی‌البدل توسط قضات دادگاه‌های عمومی و دادستان‌ها— ۳ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل توسط قضات و

۳۴. قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۳۵. ماده ۱۴ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۳۶. مواد ۲۰ و ۲۱ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۳۷. ماده ۱۵۹ قانون اساسی ترکیه

دادستان‌های محاکم اداری از میان اعضای خود انتخاب می‌شوند. همه اعضا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و امکان انتخاب مجدد نیز وجود دارد. انتخاب اعضاء، ساختار و تشکیلات، وظایف و اختیارات و رویه‌های آن به موجب قانون تعیین می‌شود.^{۳۹}

برخلاف انتقاداتی که در خصوص اصلاحات اخیر مطرح است و چنین استدلال می‌شود که قوه قضائیه بیش‌ازپیش به شخص رئیس‌جمهور وابسته شده و تک‌جناحی می‌گردد، آنچه از بررسی تغییرات صورت پذیرفته در ساختار شورای عالی قضات و دادستان‌ها به عنوان نهاد عالی قوه قضائیه برمی‌آید اینست که اختیارات قوه مجریه در تعیین اعضای این شورا، کاهش نیز یافته‌است. به‌طوری‌که با وجود افزایش تعداد اعضای شورا، این تعداد به نمایندگان دادگاه‌های قوه قضائیه افزوده شده‌است تا نهادهای وابسته به قوه مجریه. منطق حاکم بر ترکیب اعضای نهادهای قضائی، که همانا حفظ استقلال، اقتدار و شخصیت این قوه است، با مفاد این اصلاحات هم‌خوانی دارد.

قسمت دوم: دادگاه قانون اساسی

اگرچه تمرکز اصلی در این قسمت بر بخش مهمی از اصلاحات قانون اساسی ترکیه که همان دادگاه قانون اساسی است، می‌باشد اما مناسب دیده شد تا برای شناخت هرچه بهتر دادگاه قانون اساسی ترکیه، مختصری به بحث صیانت از قانون اساسی و نهادهای مرتبط با آن پرداخته شود.

بند اول: مختصری در صیانت از قانون اساسی □ و نهادهای مرتبط با آن

قانون اساسی به عنوان تبلور آرمان‌های یک ملت و موجد ساختار حقوقی و سیاسی یک کشور، بنیادی‌ترین هنجار حقوقی است که صیانت از آن امری بدیهی و ضروری می‌باشد. در حقیقت قانون اساسی بدون نهادهای تضمین‌گر به متنی ایدئولوژیک، آرمانی و دست‌نیافتنی مبدل خواهد شد که نیل به اهداف فلسفی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن امکان‌پذیر نخواهد بود.^{۴۰} ازاین‌رو، ضرورت وجود نهادهای ناظر بر قانون اساسی که سازوکارهای لازم برای تضمین اصول مندرج در آن را فراهم می‌کند، آشکار می‌شود.

امروزه در هر کشوری که قانون اساسی نوشته وجود دارد، براساس منطق پیش‌گفته، نهاد پاسداری از قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است که شیوه اعمال نظارت آن‌ها یا به شکل سیاسی است یا قضایی.

کنترل سیاسی، توسط نهادهای غیرقضایی (سیاسی) صورت می‌گیرد. درواقع صیانت از قانون اساسی به نهادی سپرده می‌شود که شکل دادگاه ندارد و کارکرد آن نیز قضایی نمی‌باشد. نمونه‌اعلای این شیوه کنترل، شورای قانون اساسی فرانسه است.

اما کنترل قضایی یا همان دادرسی اساسی را تحت عنوان دو الگو می‌توان بررسی نمود:

درالگوی آمریکایی، وظیفه اعمال دادرسی اساسی به مجموعه دستگاه قضایی سپرده شده و درواقع با دادگستری معمولی متمایز نمی‌شود؛ یعنی تمام دعاوی، صرف‌نظر از ماهیت آن‌ها با شرایط مشابه در دادگاه‌ها رسیدگی می‌شود.^{۴۱} به بیان دیگر به قوه قضائیه حق داده شده که در هنگام رسیدگی قضایی، اگر قانونی را خلاف قانون اساسی یافتند بتوانند از

۳۸. ماده ۲۲ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۳۹. فاورو، لویی، **دادگاه‌های قانون اساسی**، ترجمه‌ی دکتر علی‌اکبر گرجی از ندریانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۸، (پیشگفتار مترجم)،

ص ۱۰

۴۰. همان، ص ۲۱

اجرای آن خودداری کنند و با شرایطی چند، آن را ملغی و غیرقابل اجرا نمایند^{۴۲}.

الگوی اروپایی کاملاً متفاوت است. در این نظام، ترافعات اساسی از ترافعات عادی جدا شده و در صلاحیت یک دادگاه اختصاصی قرار می‌گیرد. این دادگاه، حتی بدون وجود یک دعوا به معنای خاص کلمه و صرفاً با ارجاع مقامات سیاسی یا قضایی یا افراد عادی به صدور حکم می‌پردازد^{۴۳}.

دادگاه قانون اساسی نهادی قضایی است که با توجه به اختیارات تصمیم‌گیری خاص و انحصاری در مورد مسائل قانون اساسی تشکیل می‌شود. این نهاد در خارج از نظام دادگاه‌های عادی قرار می‌گیرد و از دیگر شاخه‌های نهادهای دولتی کاملاً مستقل می‌باشد^{۴۴}.

کشور ترکیه نیز با ایجاد دادگاه قانون اساسی از الگوی اروپایی دادرسی اساسی پیروی نموده است و از آن‌جا که بخش بسیار مهمی از اصلاحات اخیر قانون اساسی ترکیه مربوط به دادگاه قانون اساسی است در بند دوم سعی شده که نمای جامعی از این دادگاه ارائه شود^{۴۵}.

بند دوم: دادگاه قانون اساسی ترکیه

الف: تاریخچه دادگاه و تحولات آن

دادگاه قانون اساسی ترکیه، نخست‌بار به وسیله قانون اساسی سال ۱۹۶۱ ایجاد شد و قانون مربوط به آن نیز در سال ۱۹۶۲ به تصویب رسید. شمار اعضای دادگاه ۱۵ نفر بود که قانون اساسی ترکیب این دادگاه را بدین‌سان مقرر کرده بود: ۴ عضو توسط دیوان عالی کشور، ۳ عضو توسط شورای دولتی، ۱ عضو توسط دیوان محاسبات، ۳ عضو توسط مجلس ملی، ۲ عضو توسط مجلس سنا و ۲ عضو هم توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شدند. با نگاهی به ترکیب فوق متوجه می‌شویم که نقش قوه قضائیه در انتخاب اعضای دادگاه پررنگ‌تر از سایر قوا بود به طوری که ۸ عضو این دادگاه را نهادهای وابسته به قوه قضائیه (دیوان عالی، شورای دولتی، دیوان محاسبات) انتخاب می‌کردند.

در قانون اساسی سال ۱۹۸۲ نیز، دادگاه قانون اساسی مورد پیش‌بینی واقع شد اما ترکیب آن تغییر یافت. بدین ترتیب که ۱۱ عضو اصلی و ۴ عضو علی‌البدل در نظر گرفته شد. طبقه‌بندی و انتصاب اعضا بدین صورت بود که: دیوان عالی کشور ۲ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل و شورای دولتی نیز ۲ عضو اصلی و ۱ عضو علی‌البدل را برمی‌گزیدند. ۱ عضو توسط دیوان عالی نظامی، ۱ عضو توسط دادگاه عالی اداری نظامی و ۱ عضو نیز توسط دیوان محاسبات انتخاب می‌شدند. شورای آموزش عالی هم، یک نفر را از میان اساتید مؤسسات آموزش عالی که عضو شورا نبودند، انتخاب می‌کرد. نصب همه اعضای پیش‌گفته توسط رئیس‌جمهور صورت می‌گرفت. شخص رئیس‌جمهور نیز ۳ عضو اصلی و ۱ عضو علی‌البدل را از میان کارمندان عالی اداری و وکلا گزینش و منصوب می‌کرد^{۴۶}.

نکته قابل ذکر در خصوص ترکیب دادگاه قانون اساسی سال ۱۹۸۲، عدم دخالت پارلمان ترکیه در انتصاب اعضای آن می‌باشد.

۴۱. قاضی، ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، اسفند ۱۳۶۹، ص ۱۰۷

۴۲. فاوورو، لویی، پیشین، ص ۲۱.

۴۳. دادگاه قانون اساسی: **مراحل تاریخی پیشرفت و توسعه نظام‌های نظارت قانون اساسی**، ترجمه و تلخیص جواد کارگزاری، نشریه‌ی حقوق اساسی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳، ص ۲۷۹

۴۴. در پایان این بند لازم به یادآوری است که هرچند اصلی‌ترین وظیفه دادگاه قانون اساسی، نظارت بر انطباق قوانین عادی با قانون اساسی است اما این نهاد وظایف دیگری را نیز به عهده دارد. برای آشنایی بیشتر ر.ک. به: گرجی ازندریانی، علی اکبر، **در تکاپوی حقوق اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸ و به: واعظی، سیدمجتبی، **دادگستری اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰

۴۵. **قانون اساسی جمهوری ترکیه با آخرین اصلاحات**، ترجمه‌ی رسول عابد و سیدمحمد سالار عمارتی، تهران، نشر یاد یاران، چاپ اول، ۱۳۸۸

جدیدترین تحول دادگاه قانون اساسی ترکیه با اصلاحات سال ۲۰۱۰ رقم خورده است که در بند ب به بررسی تفصیلی آن خواهیم پرداخت.

ب: دادگاه قانون اساسی با توجه به اصلاحات اخیر

۱. اعضای دادگاه

اصلاحات قانون اساسی سال ۲۰۱۰ برای دادگاه قانون اساسی، ۱۷ عضو اصلی را در نظر گرفته است که شیوه گزینش و انتصاب آن‌ها به شرح ذیل است:

مجلس کبیر ترکیه، دو عضو از میان سه کاندیدایی که توسط رئیس و مستشاران هیأت عمومی دیوان محاسبات از بین خود معرفی کرده‌اند و یک عضو از میان سه کاندیدایی که رؤسای کانون‌های وکلای دادگستری از بین وکلای مستقل معرفی نموده‌اند، به صورت رأی‌گیری مخفی انتخاب می‌کند. در رأی‌گیری مجلس کبیر ترکیه نسبت به هر یک از اعضای مذکور، در رأی‌گیری اول ۲/۳ آرای اعضای مجلس و در رأی‌گیری دوم اکثریت مطلق آرای اعضا لازم خواهد بود. در صورتی که در رأی‌گیری دوم نیز هیچ یک از کاندیداها حائز اکثریت مطلق نشود، رأی‌گیری سوم نسبت به دو تن از کاندیداهایی که بیشترین آرا را در مرحله دوم کسب کرده‌اند، انجام شده و هریک رأی بیشتری کسب کنند انتخاب می‌شوند.

رئیس‌جمهور نیز سه عضو از دیوان عالی کشور، دو عضو از شورای دولتی، یک عضو از دیوان عالی نظامی، یک عضو از میان سه کاندیدایی که هیأت عمومی محکمه عالی نظامی از بین رئیس و مستشاران □ خود معرفی کرده‌اند، سه عضو از میان اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزش عالی که در زمینه علوم سیاسی، اقتصادی و حقوقی فعالیت می‌کنند و توسط شورای عالی آموزش معرفی می‌گردند (حداقل دو عضو از سه عضو باید حقوقدان بوده و هیچ کدام نباید از اعضای شورای مذکور باشند) و چهار عضو را از میان مدیران ارشد اداری، وکلای مستقل و قضات محاکم بدوی و یا دادستان‌ها که حداقل ۵ سال سابقه تهیه گزارش و دایاری در دادگاه قانون اساسی را داشته باشند، انتخاب می‌کند.^{۴۷}

در رأی‌گیری مربوط به معرفی اعضای دیوان عالی کشور، شورای دولتی، دیوان عالی نظامی، محکمه عالی اداری نظامی و هیأت عمومی دیوان محاسبات و شورای عالی آموزش، سه نفر که بیشترین رأی را کسب کنند، کاندیدا تلقی خواهند شد.

شرایط عضویت در دادگاه قانون اساسی نیز چنین است که افراد باید حداقل ۴۵ سال داشته باشند، اعضای مؤسسات آموزش عالی باید حائز عنوان استاد یا دانشیاری بوده، و کلاً حداقل باید ۲۰ سال سابقه وکالت داشته، مدیران ارشد اداری باید تحصیلات عالیه را گذرانده و مدت ۲۰ سال در مشاغل مربوط به خدمات عمومی سابقه فعالیت داشته باشند و قضات محاکم بدوی و دادستان‌ها نیز حداقل ۲۰ سال سابقه کار داشته باشند. اعضای دادگاه قانون اساسی به غیر از وظایف اصلی خود نباید هیچ مسوولیت رسمی یا شخصی دیگری را برعهده گیرند.^{۴۸}

در مورد مدت عضویت اعضا و خاتمه آن نیز باید گفت که اعضای دادگاه قانون اساسی برای مدت ۱۲ سال انتخاب می‌شوند و نیز هیچ کس دو بار به عنوان عضو دادگاه قانون اساسی انتخاب نخواهد شد. اعضای دادگاه قانون اساسی بعد از سن ۶۵ سالگی بازنشسته می‌شوند. در صورتی که هر یک از اعضا مرتکب جرمی شود که سبب اخراج او از منصب قضا گردد، عضویت وی فی‌نفسه سلب شده و در صورتی که به طور قطعی محرز گردد که هر یک از اعضا به

۴۶. لازم به توضیح است که رئیس‌جمهور در مورد چهار عضو اخیر، حق گزینش و انتصاب را توأمان در اختیار دارد در حالی که در مورد سایر اعضای دادگاه قانون اساسی، وی از میان کاندیداهای معرفی شده توسط نهادهای مذکور، اعضای لازم برای عضویت در دادگاه را منصوب می‌کند.

۴۷. ماده ۱۶ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۷

دلیل بیماری نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد با تصمیم اکثریت مطلق آرا عضویت وی خاتمه می‌یابد^{۴۹}. در پایان این مبحث، در خصوص ترکیب اعضای دادگاه قانون اساسی در اصلاحات اخیر نکاتی چند شایان توجه است:

پارلمان در انتخاب اعضای دادگاه قانون اساسی، مشارکت خواهد داشت. همان‌گونه که در قانون اساسی ۱۹۶۱ عهده‌دار این نقش بود. □ با این وصف به نظر می‌رسد که ترکیب کنونی دادگاه قانون اساسی شکلی دموکراتیک‌تر یافته است. اصلاحات اخیر، برای دادگاه قانون اساسی اعضای علی‌البدل پیش‌بینی نکرده است در حالی که در قانون اساسی ۱۹۸۲ این امر مورد شناسایی قرار گرفته بود. دوران تصدی اعضای دادگاه، ۱۲ سال در نظر گرفته شده است اما پیش از اصلاحات مدت عضویت اعضا تا سن ۶۵ سالگی بود. لازم به توضیح است که براساس اصلاحات اخیر امکان انتخاب مجدد اعضا وجود نخواهد داشت. از طرفی تعداد اعضای شورای آموزش عالی در دادگاه قانون اساسی، از یک به سه عضو افزایش یافته است در حالی که با وجود افزایش شش نفری کل اعضا، تعداد نمایندگان دیوان عالی نظامی و محکمه عالی اداری نظامی هم‌چنان ثابت مانده است. از دیگر نکات قابل توجه آنست که حداقل حضور چهار حقوقدان در دادگاه قانون اساسی الزامی می‌باشد (این تعداد قبل از اصلاحات بین یک تا دو نفر بود). هم‌چنین فراهم آمدن امکان حضور وکلا از دو جناح (منتخبین رئیس‌جمهور - منتخبین پارلمان) در دادگاه، نیز شایان توجه است.

۲. صلاحیت‌ها

در باب صلاحیت دادگاه قانون اساسی، ماده ۱۴۸ مقرر داشته است که دادگاه قانون اساسی، امر بررسی مطابقت شکلی و ماهوی قوانین، تصویب‌نامه‌های در حکم قانون و آیین‌نامه‌های داخلی مجلس با قانون اساسی را عهده‌دار است اما صلاحیت‌های قانون اساسی را فقط به لحاظ شکلی بررسی می‌نماید. در حالت‌های فوق‌العاده، حکومت نظامی و جنگ، تصویب‌نامه‌های در حکم قانون به ادعای مغایرتشان با قانون اساسی از لحاظ شکلی و ماهوی در دادگاه قانون اساسی قابل رسیدگی نمی‌باشد^{۵۰}.

از دیگر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی بر طبق همین اصل، رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور، اعضای هیأت وزیران، رؤسا و اعضای دادگاه قانون اساسی، دیوان عالی کشور، شورای دولتی، دیوان عالی نظامی، محکمه عالی اداری نظامی، دادستان‌های کل، معاون دادستان جمهوری، قضات، رؤسا و اعضای هیأت عالی دادستان‌ها و دیوان محاسبات در ارتباط با وظایفشان با عنوان دیوان عالی می‌باشد.

همان‌طور که در قسمت نخست مقاله اشاره شد، برطبق اصلاحیه سال ۲۰۱۰ فرمانده کل ارتش، فرمانده نیروهای هوایی، دریایی و زمینی و فرمانده کل ژاندارمری نیز نسبت به جرایمی که در ارتباط با وظایف خود مرتکب می‌شوند، در دادگاه قانون اساسی به منزله دیوان عالی محاکمه می‌شوند^{۵۱}.

یکی از نکات قابل توجه در اصلاحات اخیر در ارتباط با صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی، امکان مراجعه

۴۸. ماده ۱۷ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

۴۹. رئیس‌جمهور، حزب اکثریت حاکم در پارلمان، حزب اقلیت اصلی در پارلمان و یک پنجم نمایندگان مجلس کبیر ترکیه صالح برای درخواست انطباق قانون یا تصویب‌نامه‌های در حکم قانون و آیین‌نامه داخلی مجلس ترکیه با قانون اساسی می‌باشند. (ماده ۱۵۱)

هم‌چنین بر طبق ماده ۱۵۲، چنان‌چه محکمه در جریان رسیدگی به دعوا متوجه مغایرت قانون یا تصویب‌نامه در حکم قانون مورد استناد در دعوی مذکور با قانون اساسی گردد یا یکی از طرفین دعوا ادعای مغایرت را طرح نماید و محکمه به مغایرت مذکور یقین داشته باشد در این صورت، محکمه مذکور دعوی مطروح را تا رسیدگی دادگاه قانون اساسی به تعویق می‌اندازد. اما اگر محکمه قطع به مغایرت نداشته باشد در این صورت ادعای مذکور به همراه حکم دادگاه، جهت رسیدگی و اعلام‌نظر به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.

۵۰. ماده ۱۸ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

شهروندان ترکیه با ادعای نقض یکی از حقوق و آزادی‌های اساسی مورد حمایت قانون اساسی و یا مفاد معاهده حقوق بشر اروپایی توسط قدرت حاکم، به دادگاه قانون اساسی می‌باشد. البته امکان رجوع به دادگاه مشروط به آن است که کلیه راهکارهای قانونی طی شده باشد.^{۵۲}

در انتهای این مبحث، باید یادآور شد که تصمیم‌گیری در خصوص ابطال اصلاحات قانون اساسی، انحلال احزاب سیاسی و یا محرومیت از کمک‌های دولتی نیز در صلاحیت دادگاه قانون اساسی می‌باشد.

۳. تشکیلات و آیین دادرسی

تشکیلات و آیین دادرسی دادگاه عمدتاً در ماده ۱۴۹ اصلاحی بیان شده است که شرح آن به این ترتیب است: ((دادگاه قانون اساسی ممکن است به صورت دو شعبه یا یک هیأت عمومی رسیدگی نماید. هر یک از شعب، متشکل از یک نائب رئیس و چهار عضو می‌باشد. هیأت عمومی نیز، با حضور رئیس دادگاه قانون اساسی یا نائب رئیس که وی انتخاب می‌کند به همراه حداقل ۱۲ عضو تشکیل می‌شود. تصمیمات شعب و هیأت عمومی دادگاه قانون اساسی با اکثریت مطلق آرا اتخاذ می‌شود. در دعاوی فردی پیرامون اینکه آیا دعوی قابل پذیرش و رسیدگی می‌باشد یا نه، ممکن است کمیسیون‌هایی تشکیل شود. دعاوی و مراجعات مربوط به احزاب سیاسی، دعاوی مربوط به ابطال و اعتراض و دعاوی که دادگاه قانون اساسی با وصف دیوان عالی رسیدگی می‌کند، توسط هیأت عمومی دادگاه قانون اساسی رسیدگی می‌شود و دعاوی فردی اشخاص، توسط شعب دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در خصوص ابطال اصلاحات قانون اساسی، انحلال احزاب سیاسی و یا محرومیت از کمک‌های دولتی، اتخاذ تصمیم منوط به حصول اکثریت دو سوم آرای اعضای حاضر در جلسه می‌باشد.

دادگاه قانون اساسی، دعاوی را که خارج از عنوان دیوان عالی بررسی می‌کند، با توجه به پرونده (یا اوراق پرونده) رسیدگی می‌کند منتها در خصوص دعاوی فردی اشخاص، ممکن است تصمیم به رعایت قواعد دادرسی اتخاذ شود. هم‌چنین دادگاه قانون اساسی چنان‌چه لازم بدانند، می‌تواند دفاعیات شفاهی افراد مرتبط را استماع نموده و یا افرادی را که در خصوص موضوع آگاهی دارند، دعوت نماید و در دعاوی مربوط به انحلال احزاب سیاسی پس از استماع دادستان کل کشور، به اظهارات رئیس (رهبر) کل حزبی که انحلال آن خواسته شده و یا وکیلی که توسط وی معرفی گردیده توجه خواهد شد^{۵۳})).

۴. ویژگی‌های آرا و تصمیمات دادگاه قانون اساسی

ماده ۱۵۳ قانون اساسی بیان می‌دارد: ((آرای دادگاه قانون اساسی قطعی است. آرا ابطالی قبل از ذکر اسباب موجب، منتشر نمی‌گردد.

دادگاه قانون اساسی با ابطال کل یا بخشی از یک قانون یا تصویب‌نامه در حکم قانون، نمی‌تواند همانند قانونگذار، حکمی را که راه را به اجرای جدید بازنماید، تأسیس کند. (عدم قانونگذاری)

قانون، تصویب‌نامه در حکم قانون و آئین‌نامه داخلی مجلس و یا احکام آن‌ها از تاریخ انتشار آرای ابطال، از اعتبار ساقط می‌شود. دادگاه قانون اساسی در موارد مقتضی می‌تواند در خصوص تاریخ اجرای حکم ابطال، جداگانه تصمیم‌گیری نماید. این تاریخ نمی‌تواند بیش از یک سال از تاریخ انتشار حکم در روزنامه رسمی گذشته باشد.

۵۱. همان

۵۲. ماده ۱۹ قانون اصلاح برخی مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۰۵/۰۷

احکام ابطال، عطف به ماسبق نمی شوند. احکام دادگاه قانون اساسی فوراً در روزنامه رسمی منتشر می گردد و ارگان های قوه مقننه، مجریه و قضائیه، مقامات اداری، شخصیت های حقیقی و حقوقی تابع احکام مذکور می باشند).

نتیجه گیری

نظام حقوقی به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و مقررات، رویه‌ها و نهادها، پدیده‌ای اجتماعی است که در بستر جامعه رشد و نمو می‌یابد و به نوعی انعکاس دهنده واقعیات موجود در اجتماع است. سنت سیاسی جامعه، شرایط فرهنگی و اقتصادی آن در ساختار نظام حقوقی یک کشور اثرگذار است؛ هرچند نظام حقوقی نیز می‌تواند بر جامعه اثرگذار باشد و اگر به درستی و با ملاحظات منطقی تنظیم شده باشد، منشأ تحولاتی چند در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را فراهم آورد.

عدم مطابقت یا انطباق حداقلی نظام حقوقی با واقعیت‌های جاری در بستر جامعه، بر سلامت و کارآمدی آن اثرگذار است و هر قدر این شکاف یا عدم انطباق بیشتر باشد، ناکارآمدی نظام حقوقی نیز افزایش خواهد یافت. قانون اساسی نیز که موجد نظام حقوقی یک کشور است، اگر با توجه به مقتضیات جامعه تنظیم نشود یا این که این مقتضیات بر اثر عواملی چون گذشت زمان تغییر کند، ضرورت اصلاح و بازنگری در آن بدیهی می‌شود و این عمل، پویایی یک نظام حقوقی را تضمین می‌نماید و کارآمدی آن را افزایش می‌دهد.

کشور ترکیه نیز که از زمان استقلالش تحولات بسیاری را پشت سر نهاده است در مسیر حرکت بالنده خود به سمت دموکراسی و احترام به حقوق و آزادی‌های افراد، با ضرورت بازنگری در قانون اساسی خود مواجه گشت. نظام حقوقی و سیاسی این کشور که از سال ۱۹۶۰ به نوعی در ید قدرت نظامیان قرار داشته و مشخصه اصلی آن لائیک بودن است، در واقع کارآمدی و پویایی و یا حتی مقبولیت خود را از دست داد و حزب عدالت و توسعه نیز با درک منطقی ضرورت بازنگری در نظام حقوقی (از طریق اصلاح در قانون اساسی) برای انطباق آن با واقعیات جامعه جدید ترکیه که خواستار کاهش قدرت نظامیان، افزایش آزادی‌های سیاسی و پیوستن به اتحادیه اروپا بود، تلاش پیگیری را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرد و سرانجام موفق شد در سال ۲۰۱۰ موادی از قانون اساسی را با رأی مثبت مردم اصلاح نماید.

این که تا چه حد تغییرات جدید می‌تواند در کارآمدسازی نظام حقوقی ترکیه و برآورده ساختن خواسته‌های مردم موفق باشد، پرسشی است که پاسخ به آن به گذشت زمان نیاز دارد.

فهرست منابع

الف: فارسی

کتابها

۱. راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، دی ۱۳۸۸.
۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۷۰.
۳. فاوورو، لویی، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه‌ی دکتر علی اکبر گرجی‌ازندریانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۸.
۴. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و یکم، آبان ۱۳۸۴.
۵. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، اسفند ۱۳۶۹.
۶. گرجی‌ازندریانی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۷. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.
۸. واعظی، سیدمجتبی، دادگستری اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.

قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری ترکیه با آخرین اصلاحات، ترجمه‌ی رسول عابد و سیدمحمد سالار عمارتی، تهران، نشر یاد یاران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲. قانون اصلاح موادی از قانون اساسی جمهوری ترکیه مصوب ۲۰۱۰/۵/۷

مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۱. اسلامگرایان در انتظار پیروزی بزرگ، روزنامه همشهری، سال نوزدهم، خرداد ۱۳۹۰، شماره ۵۴۲۶۵.
۲. امیری، مهدی، زمینه‌ها و پیامدهای رفراندوم اصلاح قانون اساسی در ترکیه، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۸۹.
۳. بصیری، محمدعلی و موسوی، سیدفاضل، نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵.
۴. داسیلوا، سیریان، نگرشی جدید بر مذاکرات دسته‌جمعی و سه‌جانبه‌گرایی، ترجمه‌ی خلیل صادقی‌نیا و دیگران، نشریه کار و جامعه، شهریور و مهر ۱۳۸۴، شماره ۶۵.
۵. قنبری، محمد، پیدایش و تغییرات در قانون اساسی ترکیه، ماهنامه دادگستر، سال هشتم، شماره ۴۲.
۶. کارگزاری، جواد، دادگاه قانون اساسی، مراحل تاریخی پیشرفت و توسعه نظام‌های نظارت قانون اساسی، ترجمه و تلخیص، نشریه حقوق اساسی، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳.
۷. معصومی گودرزی، عبدالرضا، مطالعه تطبیقی آمبودزمان در کشورهای ایران، مالزی، چین و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تابستان ۱۳۸۶.
۸. واعظی، محمود، تجربه جدید در ترکیه، تقابل گفتمان‌ها، فصل‌نامه راهبرد، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۷.
۹. ویژه، محمدرضا، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲.

ب: لاتین

1. Hergoz, Marc, Analysing Turkey's 2010 constitutional referendum, available in <http://fpc.org.uk/articles>.
2. Ismail, duman, overview on Turkish constitutional referendum process, available in www.worldbulletin.net/articles.
3. Turkish constitutional 2010, From Wikipedia.-12

Abstract

Turkey's 1982 constitution that was adopted following military coup in 1980, was amended in 2010 by initiative and efforts of AKP and due to factors such as the party's political strategy, public pressure and Europe union. This reforms is undoubtedly considered as the most widely effort of turkey to moving in pass of democracy and facilitate the process of joining to the Europe union. Reforms includes different parts of constitution law such as military , rights and individual freedoms, economical and social rights and the judiciary. Changes in the constitutional court that estabilished in 1961 is most important judicial amendment. Its latest development experienced by the recent referendum.

The main purpose in this paper is to examin this issue that recent reforms have created what changes in the constitution especially in the Turkish constitutional court. Entries in this regard is set in two parts : the first part is dedicated to the referendum of 2010 and amendments and the second part is dedicated to the constitutional court.

Keywords

Military, Referendum, Reform the constitution, The preservation of the constitution, The constitutional court.